

## Examining the Personality of Bozorgmehr with the Archetype of Pire Kherad

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Research Article

#### Authors

Sara Gharibabadi<sup>1</sup>

Hasan Ali Abbaspour Esfeden<sup>2\*</sup>

Arastoo Mirani<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Sara Gharibabadi, Hasan Ali Abbaspour Esfeden, Arastoo Mirani, Examining the Personality of Bozorgmehr with the Archetype of Pire Kherad, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2021:5(1): 363-366.

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: h.abbaspouresfeden@gmail.com

#### Article History

Received: 2021/04/06

Accepted: 2021/06/01

Published: 2021/06/21

### ABSTRACT

The archetype of the wise old man is not only the examination and analysis of an elderly person, but regardless of age, the characters of the Shahnameh can be examined, and one of them is the character of Bozorgmehr, who is wise, pioneering, and productive from childhood to old age. This archetype appears in stories and sometimes in dreams, and together with the hero of the story, it leads him to individuality and self-improvement.

**Keywords:** Bozormehr, archetypal critique, Pir Kheradmard, analytical psychology, Shahnameh.

## بررسی شخصیت بزرگمهر با کهن الگوی پیر خرد

سارا غریب آبادی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

حسنعلی عباسپور اسفدن<sup>۲\*</sup>

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

ارسطو میرانی<sup>۳</sup>

استادیار، گروه ادیان و عرفان، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

### چکیده

کهن الگوی پیر خرد صرفاً بررسی و تحلیل یک فرد سالخورده نمی باشد. بلکه بدون در نظر گرفتن سن و سال می توان شخصیت های شاهنامه را مورد بررسی قرار داد و یکی از آنها شخصیت بزرگمهر است که از کودکی تا پیری خردمند و راهگشا و کار ساز بوده است. این کهن الگو در داستان ها و گاه رویا و خواب نمود پیدا می کند و همراه با قهرمان داستان او را به تفرد و خود پرورانی می رساند.

**کلید واژه:** بزرگمهر، نقد کهن الگویی، پیر خردمند، روانشناسی تحلیلی، شاهنامه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

\* نویسنده مسئول: h.abbaspouresfeden@gmail.com

### مقدمه

انسان از ابتدای خلقت و شکل گیری تمدن همواره در حال تکامل و شناخت جهان بوده است. و امروزه با توجه به پیشرفت های علمی و تکنولوژی های پیشرفته همچنان رازها و رمزهایی وجود دارد که بشر در جست و جو و کشف آنهاست. همواره کشفیات انسان به دلیل طولانی نبودن عمر آدمی کامل نمی شود و این تجربیات و کشفیات سینه به سینه از نسلی به نسل های بعدی انتقال می یابد و بدین گونه قرن به قرن بر تجربیات بشر افزوده می شود. در این میان دانشمندان و خردمندان بسیاری ظهور کردند که پس از سالها تجربه و کنکاش به این نتیجه رسیدند که انسان علاوه بر نیازهای مادی اش بُعد دیگری هم به نام روح و روان دارد که می تواند آن را مورد بررسی قرار دهد. چرا که عامل بسیاری از رفتارها و کنش ها و واکنش های انسان و نوع و نحوه ی زندگی اش تا حد زیادی به روح و روان وابسته است. از این رو روانشناسان بزرگی چون فروید و کارل گوستاو یونگ پدر علم روانشناسی تحلیلی متوجه شدند که اسطوره ها و نمادها قابل کنکاش و بررسی هستند. که این اسطوره ها تاثیر یافته ها و ژرفای جان بشر و خمیر مایه و مصالح اولیه تکوین و تکامل هستند. که حاصل تلاش ها و کوشش های خودجوش انسان است. و اقوام بشری در گذر زمان هاله ای راز آمیز از خواب و خیال و آرزوهای دور و دراز بر گرداگرد آن تنیده است. اسطوره خاستگاه مبهم و مفهومی ابهام آمیز دارد، که تا چند دهه اخیر با ساده انگاری و یک سویه نگری آن را خرافه می پنداشتند. (۱) از این رو اندیشه های متعلق به زیست جهان شامل فرهنگ و ادبیات و هنر و سیاست و مدیریت، بنیان های منطقی گزاره ای و آیزنکینو دارند. (بحث های اخیر در حوزه های نوین فلسفه هنر و ادبیات و...) و چنین بود که فضای نوینی در برابر دیدگان بشر گشوده شد. (کهن الگوهای یونگی ص فضای تازه ای به نام دانش میان رشته ای *inter discip linari* که بسیاری از آثار ادبی را می توان از همین طریق و به همین روش مورد نقد و بررسی قرار داد. در این مقال برآنیم از نقد کهن الگویی یا روانشناسی تحلیلی یونگ یکی از شخصیت های خردمند شاهنامه با نام بزرگمهر را مورد بررسی قرار دهیم. که در تحقیقات پیشین زال و رستم در شاهنامه با کهن الگوی پیر خرد مورد تحلیل و بررسی قرار داده شده اند.

بررسی مبانی شاهنامه کمی دشوار است. زیرا از یک سو میان برخی از روایات فردوسی و مورخان اختلاف وجود دارد، از سوی دیگر عناصری که فردوسی به کار می برد از بین رفته و شاهنامه و منبع آن یافت نمی شود. به درستی اندازه گیری شد. یکی از اجزای مهم شاهنامه، شاهنامه ابومنصوری است که فردوسی مدتی از آن رنج برد و شاهنامه را سرود. فردوسی علاوه بر شاهنامه ابومنصوری، از داستان جداگانه دیگری که در آن زمان نوشته بود استفاده کرد. از جمله این داستان ها می توان به جنگ بیژن و گرازان، جنگ بیژن و منیژه، جنگ اکوان دیو و رستم، داستان رستم و سهراب، چند جنگ رستم اشاره کرد (۶).

فردوسی راوی بخش هایی از سخنانی را به عنوان پیرمردی نقل می کند که ابومنصور معماری یکی از وی را به نگارش شاهنامه

یونگ معتقد بود که رویاها از ضمیر ناخودآگاه سرچشمه می‌گیرد و این رویاها بخشی از کهن الگو است. و قطعاً شخصیت‌های اسطوره ای در شاهنامه را از همین طریق می‌توان مورد نقد و بررسی قرار داد.

موبدی آزاد سرو نام از موبدی دیگر که در مرو می‌زیست و به کودکان خواندن و نوشتن می‌آموخت خواست تا خواب شاه را تعبیر کند. آزاد سرو گفت تمام موبدان در شهرهای مختلف از تعبیر آن عاجز مانده‌اند. تو مرا راهنمایی کن. موبد بعد از شنیدن خواب در نیافت که تعبیر آن چه بوده است. در میان کودکان کودکی به نام بزرگمهر به آزاد سرو گفت که تعبیر خواب را می‌دانم اما شرط آنست که تعبیر را فقط به شخص شاه بگویم. استاد بر کودک خشم گرفت اما آزاد سرو او را با خود به کاخ شاه برد. تعبیر خواب آن بود که مردی جوان با لباس زنان در حرمرای شاه است. که آن مرد دلباخته‌ی زنی از زنان حرمرسا بود. هنگامی که پرده از سر حرمرسا برداشته شد. شاه آن دو زن و مرد را هلاک کرد و به بزرگمهر کیسه زر داد و کار بزرگمهر در کسوت پیر خرد آغاز می‌شود. انوشیروان خود شاهی دادگستر و دانا بود و خردمندان را حرمت می‌نهاد. بزرگمهر در میان خردمندان دربار همواره سر آمد بود. او علم نجوم را به خوبی می‌دانست و در مجالس بزم تحسین همگان را بر می‌انگیخت.

بدان گاه نو بود بوزرجمهر  
سراینده و زیرک و خوب چهر  
چنان بُد کزان موبدان و ردان  
ستاره شناسان و هم بخردان  
همی دانش آموخت و اندر گذشت  
وز آن فیلسوفان سرش بر گذشت

بر اساس گفته‌های یونگ و سایر صاحب نظران می‌توان هفت ویژگی مهم برای کهن الگوی پیر خرد قائل شد که همه آنها کم و بیش در زندگی بزرگمهر در شاهنامه میتوان یافت. ۱. برخورداری از سیمایی شگفت‌انگیز و آرام بخش ۲. برخورداری از خرد ناب ۳. همراهی و یاری کهن الگوی قهرمان ۴. راهنمایی و ارشاد شاهان و بزرگان ۵. برخورداری از قدرت پیشگویی ۷. بی‌مرگی (۳)

اگر بخواهیم طبق الگوی بالا شخصیت بزرگمهر را مورد تحلیل قرار دهیم سیمای خوب و خرد و دانش بزرگمهر اولین و برجسته‌ترین خصوصیتی است که در متن شاهنامه به چشم می‌خورد. او همواره انوشیروان را در جایی که نمی‌توانست تصمیم بگیرد به شکل راهنما وارد داستان می‌شود. بزرگمهر پیر گوی و شتابکار نیست راست گو است و همواره به دنبال هنر است. غم کمی و بیشی دنیا را نمی‌خورد و شاد زی است. اینها خصلت خردمندان است که در بزرگمهر وجود دارد (۴).

بدو گفت: "روشن روان آن کسی  
که کوتاه گوید به معنی بسی!  
کسی را که مغزش بود پر شتاب  
فراوان سخن باشد و دیر یاب

ابومنصوری منصوب کرده است. آن شخص پیر ماخ هروی بود که فردوسی آن را پیر خراسان معرفی کرد. همچنین ابومنصور ثعالی که از شاهنامه ابومنصوری برای انوشیروان استفاده می‌کند، در کتاب غرر اخبار ملوک الفارس عبارتی شبیه شاهنامه آورده است (۷).

مضامین شاهنامه دوره هخامنشی نیز در جوامع خاص منتقل می‌شد. مهری از دوره ساسانی وجود دارد که کیومرث را در کنار او نشان می‌دهد با موهایی بر پاها و بدنش و چهره‌ای بین انسان و حیوان (۸).

کهن الگوی پیر خرد یا پیر فرزانه

به نظر و باور یونگ در رشد لایه‌های مثبت و منفی ذهن در کسب شخصیت کهن الگو‌های بسیاری در شناخت و کشف رازها و رازهای عجیب و غریب آنها نقش لازم را ایفا می‌کنند و پیر فرزانه یکی از مهمترین آنهاست. پیر خردمند، تنگناها و مشکلات ذهنی را نشان می‌دهد و قهرمانی را که به دلیل شرایط خاص درونی و بیرونی قادر به تصمیم‌گیری نیست، به تصویر فردی دانا و دلسوز رهنمون می‌کند. این فرد خردمند بخشی از شخصیت همه مردم در هر اعصار، نمادی از خرد موروثی، بخشی از تمام طبیعت انسان است. کهن الگوی پیر خرد از همان آغاز در شاهنامه ظاهر می‌شود و در داستان‌های هر سه بخش اساطیری، حماسی و تاریخی حضوری فعال و اثر گذار دارد. در گیلگمش، کهن‌ترین اسطوره و حماسه موجود بشر پیر خردی به نام اوتنا پیشتیم وجود دارد که راهنما و یاریگر گیلگمش است و نشانه‌ها و محال‌گیاه زندگانی را به او می‌آموزد. در عرفان و اندیشه‌های عرفانی نیز پیر و رابطه‌ای که با ذهن و روان دارد اهمیت فراوان دارد. پیر خرد مظهر دانش، معنی و زندگی است. او از یک سو نماینده علم و بینش، خرد و ذکاوت و اشراق بوده و از سوی دیگر خصایص اخلاقی چون اراده مستحکم و آمادگی برای کمک به دیگران در خود دارد که شخصیت معنوی او پاک و بی‌آلایش می‌سازد و او را محبوب دیگران می‌کند. وقتی قهرمان در موقعیتی عاجزانه و ناامید کننده قرار گیرد، پیر خرد ظاهر می‌شود و با واکنشی به جا و عمیق یا پند و اندرزهای نیک، او را از ورطه می‌رهاند (۲)

بزرگمهر

انوشیروان پادشاه عدل گستر در شاهنامه بعد از دیدن خوابی که خوابگزاران از تعبیر آن ناتوان بودند خوابی که در مجلس بزمی شاهانه بعد از روییدن درختی در پای تخت شاهی اش گرازی از او باده جام می‌خواهد. استاد طوس در اینجا ذکر می‌کند خواب‌ها را بیهوده نپندارید و دقیقاً همین جاست که یونگ نظریه کهن الگو‌ها و ضمیر ناخودآگاه را مطرح می‌کند.

نگر خواب را بیهوده نشمری  
یکی بهره دانش ز پیغامبری!  
به ویژه که شاه جهان بیندش  
روان درخشنده بگزیندش

خوبی می نمایانند و چگونگی و چیستی مسائل روانشناختی و روش های چیرگی بر آنها را بیان می کنند.

تحلیل روانکاوانه شاهنامه، موجب کشف لایه های معنایی نهفته و عمیق آن م ی شود و به آن پویایی و حیات می بخشد. تولد، بالندگی و مرگ یک پهلوان یا پادشاه، دوران حکومت و اعمال هر کدام از آنان همه بیانگر جریان تکامل و تحول شخصیت های شاهنامه است. دستاوردهای پژوهش حاضر که با هدف بررسی نموده های کهن الگویی در شاهنامه صورت گرفت نشان می دهد شاهنامه نمود فراوانی از کهن الگوهای چون من، خود، قهرمان، سایه، پرسونا، پیردانا، آنیما و آمیوس را در کنش های شخصیت ها و قهرمانان خود دارد. کهن الگوهای یونگ در هریک از داستان های شاهنامه قابل بررسی است و جا دارد همه داستان های آن توسط پژوهشگران مورد نقد و بررسی قرار گیرد. این امر باعث پویایی و زنده ماندن متون کهن و فرهنگ ایران خواهد شد.

شخصیت بزرگمهر با کهن الگوی پیر خرد تطابق دارد و در واقع او نمونه کهن الگوی پیر خرد است. و اینکه عقل و خرد به سن و سال نیست چرا که این کهن الگو از کودکی تا پیری همواره نقش راهنما را ایفا کرده است و در جایی که از راهنمایی عقل و خرد استفاده نشد و آن را در بند کشیدند (۵). آنجاست که کهن الگوی سایه نمایان خواهد شد. شاهنامه بیان تقابل خیر و شر است و در این میان است انسان خرد مند ظاهر می شود تا نیروی خوبی و خیر نمایان شود. شاهنامه سراسر خرد است.

## References

1. Man and His Myths, Carl Gustav Jung, Joseph Henderson, translated by Hasan Akbarian Tabari, Circle Publishing, fifth edition, Spring 1400, Tehran
2. Shahnameh, Khaleghi Mutlaq, Volume 4. Entshalrat Sokhon
3. Examining the archetype of Pir Farzaneh in the story of Zal, Dr. Mohammad Taheri, Hamid Agha Jani, Fariba Rezaei, Literary Studies, No. 26, Summer 2019, pages 155-179
4. Shahnameh from the perspective of Jung's analytical psychology, Scientific and Cultural Publications, third edition, Tehran 2019
5. Jungian archetype, Robin Robertson, translated by Bijan Karimi, Tehran
6. Safa, Zabihullah (2000). Epic in Iran, Ch 6, Tehran, Amir Kabir Publications.

چو گفتار بیهوده بسیار گشت  
سخن گوی در مردمی خوار گشت  
هنر جوی و تیمار بیشی مخور  
که گیتی سپنج ست و ما بر گذر  
همه روشنی مردم از راستیست  
ز تاری و کژی باید گریست

دانایان و فرزندگان شاه دادگر از پندهای بزرگمهر بهره می بردند. در اینجا بزرگمهر قصد دارد در قالب پیر خردمند شاه را رهنمون شود تا مبادا او بدون عقل و خرد دچار انحراف و اشتباه شود. شاه خواهان عقل و خرد است. و به همین دلیل است که بزرگمهر در مجلسش حضور دارد. بزرگمهر اشاره میکند تنها در دو جا خرد کارساز نیست مرگ و تقدیر. و شاه را متوجه آن می کند که عقل و خرد در تنگناهای ذهنی تو را یاری می کند و آنجایی که خداوند سرنوشت و تقدیر را رقم می زند دیگر عقل و خرد ما را یاری نمی کند. و اینجاست که می گوید:

یکی بی هنر خفته

بر تخت بخت

همی گل فشاند بر او بر درخت

چنین ست رسم قضا و قدر

ز بخشش نیابی به کوشش گذر!

جهاندار دانا و پروردگار

چنین آفرید اختر روزگار

دگر گفت که آن چیز کافزون ترست

کدام ست و بیش که را در خور ست

## نتیجه گیری

اسطوره ها و افسانه های زیادی در فرهنگ کشورها و اقوام مختلف وجود دارد و اگرچه ممکن است از نظر ظاهری متفاوت باشند، اما اساساً شبیه هم هستند. به عقیده یونگ، ریشه تکرار این مضامین رایج اسطوره ای، ظاهراً مشابه رویاها و خیالات و آثار هنری انسان، از همین ویژگی های روانی و مشترک انسان ها نشات می گیرد. مفاهیم اساسی فرضیه یونگ تأثیر زیادی بر دانش اساطیر و نقد ادبی داشت. بیان توانایی در بررسی الگوها در قالب اسطوره، هم از نظر افراد و هم از نظر جوامع. گزارش یونگ از فرآیندهای فردی، ناخودآگاه جمعی و کهن الگوها نشان می دهد که همه ذهن انسان ها دارای وجه مشترکی هستند که الگوهای اسطوره ای را در همه فرهنگ ها و ملت ها ایجاد می کند، که همه آنها می توانند بر اساس الگوهای اساسی باشند. فردوسی یکی از بزرگترین حماسه سرایان جهان است و شاهنامه او گنجینه ای است از میراث تجربیات آبا و اجدادی، تبلور ناخودآگاه جمعی ایرانی که همه داستان ها دارای عناصر ساختاری مشابه و مشترکی هستند.

و بسیاری از خوشکاری های شخصیت های آن جهانی است و هریک از شخصیت های یک داستان چون تجلی های متعدد روان واحد و اعضای یک پیکر به دنبال هدف نهایی و منزل غایی به هم پیوند می خورند. داستان های شاهنامه کارکرد روان ما را به

7. Taheri, Sadr al -Din (2015) Ancient Semiotics in ancient Iranian art and neighboring lands. Tehran: Shorefarin.
8. Elahi Qomshai, Hossein (2007). Shahnameh Ferdowsi, Translated by Nahid Farshadmehr, Tehran: Mohammad Publishing.